

ارسال: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

پذیرش: ۱۴۰۴/۲/۲۴

doi 10.22034/nf.2026.510598.1393

«هست» و «است» در محاوره

وحیده تجلی* (زبان‌شناس، آزمایشگاه پردازش زبان طبیعی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)
مهرنوش شمس‌فرد* (دانشیار گروه مهندسی و علوم کامپیوتر، آزمایشگاه پردازش زبان طبیعی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)

چکیده: استفاده از فعل «هست» به جای فعل ربطی «است» در زبان فارسی، به خصوص در گفتار و نوشتار غیررسمی، نمونه‌های فراوانی دارد، اما اغلب کاربرد نادرستی شمرده شده و گویشوران از آن منع می‌شوند، به این دلیل که فعل «هست» یک فعل تام به معنی «وجود داشتن» است، در حالی که «است» معنای تام ندارد و تنها به عنوان فعل ربطی به کار برده می‌شود. مقاله حاضر کاربرد فعل «است» و «هست» و تکواژگونه‌های آن‌ها در زبان فارسی محاوره، از لحاظ معنایی و ساخت‌واژی را در ۲۰ هزار جمله محاوره از پیکره زبانی «پارس‌مپ»، که مجموعه‌ای از جمله‌های منتخب از شبکه‌های اجتماعی، وب‌نوشت‌ها، رایانامه‌ها، پیامک‌ها و داستان‌های فارسی است، بررسی می‌کند. با توجه به اینکه این دو فعل ریشه مشترک دارند و همچنین، با اشاره به مشکلات گفتاری و نوشتاری کاربرد تکواژگونه‌های فعل «است» در زبان محاوره و با در نظر گرفتن این موضوع که گویشوران فارسی تمایلی به استفاده از فعل «است» در موقعیت‌های غیررسمی ندارند، این مقاله پیشنهاد می‌دهد فعل «هست» به عنوان فعل ربطی در بافت‌های خاصی جایگزین واژه‌بست‌هایی مانند «ه/ه»، «س» و «ست» شود. گسترش کاربرد فعل «هست» در برخی موقعیت‌ها موجب سهولت در روان‌خوانی، کمک به پردازش متن، سهولت در آموزش خط فارسی، و سهولت در تلفظ و زیبایی چهره متن می‌شود.

کلیدواژه‌ها: هست، است، فعل ربطی، محاوره، گفتاری نویسی.

* vtajalli@ut.ac.ir

* m-shams@sbu.ac.ir

۱. مقدمه^۱

گویشوران زبان فارسی در موقعیت‌های غیررسمی از زبان محاوره استفاده می‌کنند. این زبان با فارسی رسمی در سطح نحو و واژگان تفاوت‌هایی دارد و میزان این تفاوت‌ها در حدی است که می‌توان آن‌ها را دو گونه از یک زبان به شمار آورد (طیب‌زاده، ۱۳۹۸; Mahmoodi-Bakhtiari, 2018; Rasooli et al. 2020; Kabiri et al. 2022) و بنا به همین دلیل، فارسی محاوره نیاز به شیوه‌نامه‌های گفتاری و نوشتاری و همچنین، ابزارهای پردازش متفاوت از فارسی رسمی دارد.

سال‌هاست که در فرهنگستان زبان و ادب فارسی و همچنین، نزد پژوهشگران حوزه زبان دغدغه درست‌نویسی و تدوین دستور خط برای فارسی رسمی وجود داشته و تلاش‌های زیادی در این زمینه صورت گرفته است، اما از آنجاکه برخی از صاحب‌نظران گفتاری‌نویسی را نادرست می‌دانستند و یا ارائه دستور خط برای آن را تأییدی بر وجود دوزبان‌گونه‌گی در فارسی محسوب می‌کردند، تدوین شیوه‌نامه به این منظور به تعویق افتاد و همین امر موجب اعمال سلیقه‌های فردی و تأثیر گویش‌های شخصی^۲ در روش‌های گفتاری‌نویسی فارسی شد. البته که تدوین چنین دستور خطی با توجه به پیشینه استفاده کاربران فضای مجازی از گفتاری‌نویسی و خلق صورت‌های ساخت‌واژی جدید کار ساده‌ای نیست، اما در سال‌های اخیر تلاش‌های خوبی در این راستا انجام گرفته است که بی‌تردید کارساز خواهد بود. تفاوت بین زبان رسمی و غیررسمی کمابیش در همه زبان‌ها وجود دارد و با استفاده روزافزون گویشوران از شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها بیشتر هم می‌شود. وجود شیوه‌نامه، از یک‌سو، به یکدستی رسم‌الخط‌ها و، روان‌خوانی، از سوی دیگر، به سهولت در پردازش متون و همچنین، آموزش خط به غیرفارسی‌زبانان کمک خواهد کرد.

بدیهی است که زبان نوشتار باید نسبت به زبان گفتار شفافیت بیشتری داشته باشد. هنگامی که گوینده از زبان گفتار استفاده می‌کند، هم‌زمان می‌تواند با بهره گرفتن از شدت صدا و حرکات صورت، احساسات خود را منتقل و سخن خود را تکمیل کند. این ابزارها در زبان نوشتار وجود ندارند. بنابراین، ما تلاش می‌کنیم با استفاده از واژه‌های روشن و به کار گرفتن علائم نگارشی، منظور خود را به‌طور کامل منتقل کنیم. از آنجاکه گفتاری‌نویسی در موقعیت‌های غیررسمی به کار می‌رود، نیاز به انتقال لحن و احساس در آن نسبت به نوشتار رسمی بیشتر است. بنابراین، گویشوران تلاش می‌کنند با خلق واژه‌های جدید و همچنین، استفاده از امکانات خط به طرق مختلف، از جمله تکرار تا تغییر حروف، لحن کلام را نیز منتقل کنند.

۱. از دوستان بزرگواری که متن اولیه این مقاله را خواندند و در اصلاح ایرادهای آن ما را یاری کردند صمیمانه سپاسگزاریم.

2. idiolects

در این پژوهش، به بررسی صورت‌های مختلف فعل ربطی «است» و همچنین، فعل «هست» در زبان محاوره و گفتاری نویسی پرداخته‌ایم. فعل ربطی فعلی است که برخلاف فعل تام بیانگر عمل نیست، بلکه صفت یا حالتی را به مسند جمله ربط می‌دهد. فعل «هست» اما، هم به‌عنوان فعل تام (به معنای وجود داشتن) و هم به‌عنوان فعل ربطی، کاربرد دارد. فرهنگ سخن واژه‌های «هستیدن» (هستن) و «آستیدن» را مصدرهایی فرضی معرفی می‌کند که تنها مضارع ساده آن‌ها صرف می‌شود. بحث کاربرد «هست» به‌جای «است» بیشتر از اینکه در کتاب‌ها و مقالات وجود داشته باشد در فضای مجازی در جریان است که اغلب توضیح می‌دهند چرا نباید «هست» را به‌جای «است» به کار برد. برای نمونه، در مثال زیر، جمله (۱) الف. درست و جمله (۱) ب. نادرست است.

(۱) الف. فردا آموزشگاه تعطیل است.

ب. فردا آموزشگاه تعطیل هست.

به‌منظور بررسی این افعال در فارسی معیار گفتاری در ایران، کاربرد آن‌ها را در ۲۰ هزار جمله محاوره از پیکره زبانی «پارس‌مپ» (Tajalli et al. 2025)، که مجموعه‌ای از جمله‌های منتخب از شبکه‌های اجتماعی، وب‌نوشت‌ها، رایانامه‌ها، پیامک‌ها و داستان‌های فارسی است، از لحاظ معنایی و ساخت‌واژی مورد مطالعه قرار داده‌ایم. امروزه، مبحث گفتاری نویسی با صفحه‌کلید تلفن همراه و رایانه گره خورده است. به‌عبارت‌دیگر، گویشوران اغلب گفتاری تایپ می‌کنند و نوشتن آن با قلم و کاغذ معمولاً محدود به یادداشت‌های شخصی است. بنابراین، ویژگی‌های صفحه‌کلیدها نیز در بررسی شیوه‌های نگارش و تدوین دستور خط دخیل‌اند. در این پژوهش، تلاش کرده‌ایم این مسئله را نیز بررسی کنیم.

در بخش بعد، مختصری از پیشینه این پژوهش را مرور خواهیم کرد. بخش سوم به شیوه کاربرد فعل «است» در بافت‌های رسمی و غیررسمی زبان فارسی و بخش چهارم به تحلیل داده‌ها و آمارهای حاصل از بررسی پیکره خواهد پرداخت. بخش پنجم به دلایل استفاده از «هست»، به‌عنوان فعل ربطی، و بخش ششم به بررسی کاربرد «است»، به‌عنوان فعل تام، اختصاص یافته است و نهایتاً، در بخش هفتم جمع‌بندی مباحث ارائه شده است.

۲. پیشینه پژوهش

ویژگی‌های فعل ربطی «است» و تفاوت کاربردی آن با فعل «هست» کم‌وبیش مورد توجه زبان‌شناسان و پژوهشگران ادبیات فارسی بوده است. شریعت (۱۳۴۵) بر این باور است که «هست» و «است» از نظر لفظی یکی هستند، اما از نظر معنوی افعال ربطی معنی مجردی ندارند و

فقط ارتباط مابین ارکان اصلی جمله (مسندالیه و مسند) را حفظ می‌کنند. بنابراین، فعل «هست» تا وقتی فعل ربطی حساب می‌شود که معنی مجردی نداشته باشد، اما اگر بتوانیم در جمله به جای «هست» «وجود دارد» بگذاریم، دیگر فعل ربطی نیست، بلکه فعل خاص یا تام است.

ناتل خانلری (۱۳۷۷) معتقد است که میان دو کلمه «هست» و «است»، از جهت ریشه کلمه و معنی اصلی، هیچ تفاوتی نیست و این دو لفظ دو صورت یک کلمه و به یک معنی هستند، اما اختلافی که در استعمال این دو لفظ وجود دارد بیشتر از جنبه معانی و بیان است تا از جنبه لغت و دستور. نکته این است که در «هست» نسبت به «است» تأکیدی وجود دارد؛ یعنی با کلمه اول وجود امری یا صفتی را برای امری دیگر با تأکید بیان می‌کنیم و حال آنکه در استعمال کلمه دوم تأکیدی در میان نیست، بلکه به‌طور عادی نسبتی داده می‌شود یا ارتباط صفتی یا موصوفی بیان می‌شود. پس، «هست» هم مانند «است» رابطه را بیان می‌کند، با این تفاوت که در مورد اول تأکید در اسناد (یعنی بیان رابطه) است و در مورد دوم چون رابطه ساده و عادی است، تأکید و تکیه به مسند تعلق می‌گیرد.

کمالی (۱۳۹۵) با بررسی تعدادی از متون تاریخی، به این نتیجه می‌رسد که ماهیت آوایی واژه‌بست «های غیر ملفوظ»، که به‌عنوان گونه گفتاری فعل «است» کاربرد دارد، در قرن پنجم، در بیشتر یا همه مناطق رواج زبان فارسی فتحه بوده است و در حدود قرن یازدهم، در بیشتر مناطق، به کسره بدل شده است و این البته، با دیگر تحولات آوایی شناخته‌شده این زمان در طول این ششصد سال هم‌جهت است.

شریفی و تابش فر (۱۳۹۷) در بررسی تکوین فعل «است» در زبان فارسی چنین توضیح می‌دهند که فعل «است» مأخوذ از ریشه ah، صورت مضارع فعل «بودن» در فارسی میانه است. معنای واژگانی و فعلی آن «وجود داشتن/ حضور داشتن» است. این ریشه در فارسی میانه، دارای صورت‌های صرفی ahti، ahi، ahmi است. واژه پایانی این صیغه‌ها طی یک تحول آوایی کلی از میان رفته است. در صیغه سوم شخص، صدای /h/ به /s/ تبدیل شده و صورت «است» از آن شکل گرفته و به فارسی نوره یافته است. با گذر زمان، این صورت بر اثر فرایند دستوری‌شدگی، معنای انتزاعی «رابطه» کسب کرده و به‌عنوان فعل ربطی در جمله‌های اسنادی استعمال یافته است. «هست» صورت دیگری از آن است که از لحاظ آوایی شباهت بیشتری به ریشه دارد. در زبان امروز نیز هرگاه معنای «وجود داشتن» مورد نظر باشد، اغلب از این صورت و هرگاه مفهوم رابطه مد نظر باشد، از صورت «است» استفاده می‌شود.

بنابراین، بر مبنای نتایج پژوهش‌های پیشین، واژه‌های «هست» و «است» از یک ریشه بوده و در فارسی نو هر دو به‌عنوان فعل ربطی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در بخش بعد، به بررسی کاربرد این فعل‌ها، در موقعیت‌های رسمی و غیررسمی، در فارسی امروز خواهیم پرداخت.

۳. کاربرد فعل «است» در فارسی رسمی و غیررسمی

فعل «است» در گفتار و نوشتار رسمی فارسی کاربرد زیادی دارد. این فعل در نشر رسمی اغلب به صورت کامل و در مواردی به شکل واژه‌بست «ست» نوشته می‌شود.

(۲) الف. طرح این پرسش اساساً نابخاست.

ب. شعر نیمایی یک پروسه طولانی‌ست که در محور طولی ادبیات مدرن ایران حرکت می‌کند.

واژه «است» یکی از واژه‌های خاص گونه رسمی است که گویشوران فارسی تقریباً هیچ‌گاه در محاوره به کار نمی‌برند و آن را با واژه‌بست‌های «ه / ه» (۳. الف)، «س» (۳. ب)، «ست» (۳. پ) و یا «اس» (۳. ت) جایگزین می‌کنند.

(۳) الف. این همون کتابیه که بهت گفتم.

ب. این همون کتابه‌س که بهت گفتم.

پ. این همون کتابه‌ست که بهت گفتم.

ت. این همون کتابه‌اس که بهت گفتم.

فعل «هست» نیز گاهی به‌عنوان فعل ربطی جایگزین فعل «است» می‌شود.

(۴) این همون کتابه هست که بهت گفتم.

این کاربرد اغلب نادرست شمرده شده و افرادی که به کاربرد صحیح واژه‌ها اهمیت می‌دهند از آن اجتناب می‌کنند. در ادامه، به‌منظور شناخت موارد کاربرد «هست» در زبان محاوره و دلیل استفاده گویشوران از آن، صورت‌های مختلف فعل ربطی «است» در زبان محاوره و میزان و جایگاه استفاده از آن‌ها را بر مبنای داده‌های پیکره «پارس‌مپ» بررسی می‌کنیم.

۴. بررسی و تحلیل داده‌ها

به‌منظور انجام این مطالعه، تعداد ۲۰,۰۰۰ جمله از جمله‌های پیکره، به‌شکل تصادفی، انتخاب شدند. از میان این تعداد در ۴,۷۹۴ جمله (۲۴ درصد) صورت‌های مختلف فعل ربطی «است» استفاده شده بود که جدول (۱) درصد رخداد هر یک را نشان می‌دهد.

جدول ۱ درصد رخداد صورت‌های فعل «است» در پیکره

میزان رخداد در پیکره	فعل ربطی
٪. ۸۱	ه / ه
٪. ۶	ست
٪. ۶/۵	س
٪. ۰/۶	اس

است	٪. ۱/۵
هست	٪. ۳
هس	٪. ۰/۴
هستش	٪. ۱

۴-۱. ه/ه

واژه‌بست «های غیر ملفوظ» پرکاربردترین جایگزین فعل «است» در زبان محاوره است و بیشتر کاربران تا آنجا که محدودیت‌های واجی اجازه دهند، از این صورت استفاده می‌کنند.

(۵) الف. چشم ضعیف شده خدا شاهده.^۱

ب. بدبختیا همه از بی پولیه.

چنان‌که در بخش پیشینه اشاره شد، تلفظ این واژه‌بست در گذشته /æ/ (فتحه) بوده و امروزه به /e/ (کسره) تغییر یافته است. تلفظ کنونی «های غیر ملفوظ» موجب شده گاهی گویشوران آن را به شکل کسره بنویسند که این کاربرد نابجا به خطای «هکسره» مشهور شده است.

(۶) الف. انقد زیاد خوابوازم میگیره.

ب. چقدر قشنگ این قاب.

در بررسی داده‌های پیکره، موارد بسیار نادری از این خطا مشاهده شد، درحالی‌که نمونه‌های فراوانی از کاربرد «ه/ه» به جای کسره اضافه وجود داشت. به عبارت دیگر، مسئله اصلی در خطای هکسره کاربرد افراطی و نابجای «ه/ه» است و نه استفاده نکردن از آن. برخی از گویشوران در همه جایگاه‌های کسره اضافه فعل «است» و حرف تعریف معرفه از «ه/ه» استفاده می‌کنند؛ به این معنا که هرگاه در پایان واژه‌ای آوای کسره را می‌شنوند، به جای آن ه/ه می‌گذارند. در زیر نمونه‌هایی از کاربرد نادرست در جایگاه کسره اضافه مشاهده می‌شود.

(۷) الف. مرتضی از چیه تو خوشش اومده من نمیدونم.

ب. از منه بیچاره بیگاری میکشه.

۴-۲. ست، س و اس

بعد از «های غیر ملفوظ»، پرکاربردترین تکواژگونه‌های فعل «است» واژه‌بست‌های «س» و «ست» هستند. در واقع، در این پژوهش فرض را بر این گرفتیم که این واژه‌بست‌ها مخفف «است» (و نه هست) هستند. این واژه‌بست‌ها اغلب بعد از واژه‌هایی به کار می‌روند که به یکی از دو واژه /e/ یا /ɒ/ ختم شوند. مثال (۸) نمونه‌هایی از افزوده شدن واژه‌بست «ست» را نشان می‌دهد.

۱. در نمونه‌هایی که از جمله‌های پیکره استفاده شده املاهای گویشوران حفظ شده است.

(۸) الف. برعکس ظاهر گول زندهش ک شبیه حاجی بازاریاست، اتفاقا معلمه.

ب. میدونم خسته ست و دلم نمیداد به اصرار بیدارش کنم.

همان طور که در مثال (۸.ب) نیز مشاهده می شود، هنگامی که واژه‌بستی که با همخوان شروع می شود به واژه‌های مختوم به «های غیر ملفوظ» اضافه شود، در تلفظ واج پایانی /e/ تبدیل به /æ/ می شود. نمونه‌های زیر افزوده شدن واژه‌بست نشانهٔ مفعول «رو» و واژه‌بست ضمیر ملکی «مان» را نشان می دهند.

(۹) الف. آینده رو پیش بینی می کنه. [تلفظ: آیندرو]

ب. دزد زده به خونه مون. [تلفظ: خونمون]

بنابراین، همین تغییر تلفظ بعد از اضافه کردن «ست» نیز روی داده است و نشان می دهد واژهٔ اول واژه «است»، یعنی /æ/، در واژه‌بست «ست» نه نوشته و نه خوانده می شود. به عبارت دیگر، تلفظ «ه» در «خسته‌ست» حذف نشده، بلکه به /æ/ تبدیل شده است (خستست).

تکواژگونهٔ دیگر که کاربرد مشابهی با «ست» دارد واژه‌بست «س» است. در زبان فارسی، حذف همخوان پایانی در هجاهایی با الگوی CVCC (همخوان - واکه - همخوان [سایشی] - همخوان) فرایند واجی رایجی است و در همین راستا، در تلفظ، به خصوص در محاوره، گویشوران همخوان پایانی /t/ را در «است» حذف و این تغییر را به نوشتار نیز منتقل می کنند.

(۱۰) الف. اقامتگاه بومگردی بعدی که اومدیم توروستاس و ظاهرا جن داره.

ب. ماشالا تمومی نداره بس که سخت و پیچیده س این زبان.

واژه‌بست، همان طور که از نام آن پیداست، باید پیوسته به واژه نوشته شود. در خط فارسی، واژه‌بستی را که بعد از حرف «الف» نوشته می شود می توان پیوسته نوشت (۱۰.الف)، اما واژه‌بستی که بعد از «های غیر ملفوظ» می آید برای پیوسته بودن نیاز به نیم‌فاصله دارد (۱۱.الف) و گرنه جدا می افتد (۱۱.ب).

(۱۱) الف. کلاست دوشنبه س.

ب. کلاست دوشنبه س.

«های غیر ملفوظ» را نمی توان بین دو حرف نوشت، زیرا صورت آن تغییر کرده و تبدیل به «های ملفوظ» می شود. بنابراین، نمی توان واژه‌بست را بدون فاصله از واژهٔ قبل نوشت.

(۱۲) کلاست دوشنبهست.

در پیکره، از میان جملات شامل واژه‌بست‌های جایگزین «است» تنها در ۵ درصد از نیم‌فاصله استفاده شده بود. شیوه‌ای که بسیاری از گویشوران انتخاب می کنند تا نه واژه‌بست را با فاصله بنویسند و نه واج «های غیر ملفوظ» را از واژهٔ /e/ به همخوان /h/ تغییر دهند حذف «ه / ه» و متصل کردن واژه‌بست به واژه است.

(۱۳) الف. کلاست دوشنبس.

ب. آب این منطقه آلودس.

با این شیوه، تلفظ واژه حفظ می‌شود، اما حذف حروف نه تنها موجب بدخوانی می‌شود، بلکه ابهام نوشتار را افزایش داده و پردازش متن را سخت‌تر می‌کند. در ۴۰ درصد از جمله‌های حاوی «س» و «ست» در این داده‌ها این واژه‌بست‌ها بعد از حرف «الف»، در ۴۷ درصد بعد از «ه/ه» و در ۱۳ درصد بعد از حروف دیگر استفاده شده بودند. از کسانی که واژه‌بست را بعد از «ه/ه» استفاده کرده بودند ۷۰ درصد «های غیرملفوظ» را حذف کرده بودند.

عده‌ای از گویشوران برای جلوگیری از حذف «ه/ه» از واژه‌بست «اس» استفاده می‌کنند. این واژه‌بست از «س» و «ست» کم‌کاربردتر است، زیرا تنها بعد از «ه/ه» به کار می‌رود.

(۱۴) الف. اینا همیشه سرشون تو زندگی بقیه اس.

ب. کتابتون واقعا فوق العاده اس.

«اس» نیز از نظر واجی به میزبان خود وابسته است و از لحاظ املائی باید پیوسته نوشته شود. به نظر می‌رسد این صورت بیشتر به قیاس از صورت‌های مخففی که همخوان سایشی پایانی /t/ در آن‌ها حذف می‌شود ساخته شده است. برای مثال، صورت مخفف واژه «هست» (وجود داشتن) در (۱۵.الف) و صورت مخفف «دست» در (۱۵.ب) آمده است.

(۱۵) الف. امکانش هس امروز نیم ساعت مرخصی بگیره؟

ب. دو تا نسخه دس نویس از کتابخونه مجلس گرفتم.

چنان‌که اشاره شد، در ۱۳ درصد از داده‌ها واژه‌بست‌های «س» و «ست» بعد از حروف دیگری به کار رفته بودند. در بین این حروف، «ع» و «های ملفوظ» بیشترین تعداد را داشتند. این حروف اگر در آخر واژه تلفظ شوند، واژه‌بست «ه/ه» به عنوان فعل ربطی به آن‌ها اضافه می‌شود (۱۶.الف و ۱۷.الف). اما از آنجاکه گاهی^۱ در تلفظ واج آخر آن‌ها حذف می‌شود، گویشوران بعد از آن‌ها از «س» و «ست» استفاده می‌کنند (۱۶.ب، ۱۶.پ و ۱۷.ب).

(۱۶) الف. به نظرم خیلی ضایعه سمت رو برندت باشه.

ب. به نظرم خیلی ضایع ست سمت رو برندت باشه.

پ. به نظرم خیلی ضایست سمت رو برندت باشه.

(۱۷) الف. حرفت اشتباهه.

ب. حرفت اشتباست.

۱. در مورد «ع»، معمولاً زمانی که واج پیش از آن /e/ باشد و در مورد «های ملفوظ»، زمانی که واج پیشین /d/ باشد، حذف رخ می‌دهد.

۳-۴. است

همان‌طور که در بخش ۳ بیان شد، فعل «است» در محاوره معمولاً کاربردی ندارد، اما در گفتاری نویسی گاهی استفاده می‌شود که در مثال (۱۸) نمونه‌هایی از آن را می‌بینیم.

(۱۸) الف. اون باید سعی کنه ساعت هایی که خونه است با بچه بازی کنه.

ب. به پسرش وابسه است و دوریشو نمیتونه تحمل کنه.

بیشترین مورد استفاده از آن در پیکره (۵۴ درصد) بعد از «های غیر ملفوظ» بود. به عبارت دیگر، این افراد می‌نویسند «یه هفته است» و می‌خوانند «یه هفته‌ست». با بررسی داده‌ها و منابع آن‌ها، می‌توان یک دید کلی نسبت به موارد کاربرد آن به دست داد:

- افرادی که گفتاری نویسی را نادرست می‌دانند؛
- افرادی که با کاربرد نیم‌فاصله آشنایی ندارند یا کلید آن روی صفحه‌کلید دستگاهشان موجود نیست. این افراد گاهی برای جلوگیری از جدا افتادن واژه‌بست «است» را به شکل کامل می‌نویسند؛
- افراد مسن‌تر که اغلب تمایل بیشتری به رسمی نویسی دارند؛
- در داستان نویسی، گاهی نویسنده سبک بیان رسمی‌تری را برای راوی نسبت به شخصیت‌ها برمی‌گزیند. بنابراین، راوی از فعل «است» و شخصیت‌ها از دیگر تکواژگونه‌های آن استفاده می‌کنند؛
- هنگام نقل قول کردن از یک مرجع رسمی؛
- هنگام نوشتن در یک فضای رسمی (برای مثال، دانشجو خطاب به اساتید)؛
- در موقعیت‌های طنزآمیز (گاهی از فعل «می‌باشد» نیز در محاوره به این منظور استفاده می‌شود).

۴-۴. هست، هس و هستش

فعل «هست» نیز گاهی به عنوان فعل ربطی به کار می‌رود و این کاربرد در زبان محاوره بسیار بیشتر از زبان رسمی است. در نمونه‌های زیر از پیکره، مشاهده می‌شود که برخی افراد در گویش شخصی خود از «هست» به جای «های غیر ملفوظ» استفاده می‌کنند.

(۱۹) الف. منم اسمم محمد هست.

ب. مسیر هست که آدم رو میسازه.

صورت «هس» نیز، که حاصل حذف واج پایانی /t/ است، در مواردی در پیکره استفاده شده بود. این صورت واژه‌بست نیست و از لحاظ واجی مستقل است.

(۲۰) الف. من الان گشتم هس.

ب. گوشه خوبی هس.

صورت فعلی «هستش^۱» در فارسی رسمی استفاده نمی‌شود، اما در محاوره و گفتاری نویسی کاربرد نسبتاً زیادی دارد.

(۲۱) الف. خیلی جوون هستش این دختر.

ب. شما خیلی فکرتون بسته هستش.

اضافه شدن واژه‌بست پایانی «ش» در فعل‌های لازم هم دیده می‌شود.

(۲۲) الف. مریم رفتش.

ب. بالخره اومدش.

به اعتقاد راسخ‌مهند (۱۳۸۹)، واژه‌بست در این ساخت نشانه‌مطابقه است. به‌عبارت‌دیگر، گویشوران جای خالی شناسه در فعل سوم شخص مفرد را با «ش» پر می‌کنند.

(۲۳) هستم/ هستی/ هستش

مانند فعل «هست» صورت‌های «هس» و «هستش» در معنای «وجود داشتن» نیز به کار

می‌روند.

(۲۴) الف. فقط یکی هس که می‌تونه جواب بده.

ب. اونکه نمیره هستش فعلاً.

جدول (۲) میزان کاربرد این افعال در جایگاه فعل تام و ربطی را در پیکره نشان می‌دهد.

جدول ۲ میزان کاربرد صورت‌های فعل «هست» در جایگاه تام و ربطی

ربطی	تام	
٪ ۵۰	٪ ۵۰	هست
٪ ۴۳	٪ ۵۷	هس
٪ ۸۷	٪ ۱۳	هستش

چنان‌که مشاهده می‌شود، صورت‌های «هست» و «هس» به‌شکل تقریباً برابر در جایگاه فعل تام و ربطی استفاده شده‌اند، اما «هستش» بیشتر به‌عنوان فعل ربطی به کار رفته است.

۵. «هست» به‌عنوان فعل ربطی

در این بخش، بر مبنای موارد کاربرد «هست» در داده‌ها، به‌عنوان فعل ربطی و منابع آن‌ها، به بررسی دلایل استفاده گویشوران از این فعل می‌پردازیم.

۱. صورت «هیش» نیز گاهی به کار می‌رود، اما در این پیکره نمونه‌ای برای آن وجود نداشت.

۱-۵. تأکید

چنان‌که در بخش پیشینه آمد، خانلری (۱۳۷۷) «هست» را صورت تأکیدی فعل ربطی «است» می‌داند. به عبارت دیگر، فعل «است» هیچ‌گاه در جمله تکیه نمی‌گیرد. در زبان محاوره، همان‌طور که در بخش‌های پیشین دیدیم، همه صورت‌های فعل «است» واژه‌بست هستند و یکی از ویژگی‌های واژه‌بست‌ها این است که تکیه نمی‌گیرند. بنابراین، چه در زبان رسمی و چه محاوره، «هست» تنها صورتی است که در جایگاه تأکید می‌آید.

(۲۵) الف. حالا بگو این فامیل جدید کی هست؟

ب. نه عاقل بود و نه هست!

پ. رنگش نباید تیره باشه، اگر هست پشش بده.

ادات تأکید

«که» و «هم» به‌عنوان ادات تأکید در زبان فارسی به کار می‌روند و بعد از آن‌ها همیشه فعل ربطی تبدیل به «هست» می‌شود.

(۲۶) الف. بیشتر شبیه پدرشه ولی شبیه مادرشم هست.

ب. قدت کوتاهه؟ خب هست که هست!

پ. راسی عزیزای دلم فراموش نکنین امروز روز اهدا هم هست.

صورت «هستش» به‌ندرت در جایگاه تأکید استفاده شده بود.

در فارسی رسمی نیز در این جایگاه فقط فعل «هست» استفاده می‌شود که نمونه‌هایی از آن در زیر آمده است.

(۲۷) الف. از سوی دیگر متأثر از نقل سینه به سینه زبان طی قرن‌های متمادی نیز هست.

ب. نه تنها مشکلی ندارد، بلکه زیبا هم هست.

حذف

حذف عناصر جمله به فرینه لفظی موجب می‌شود واژه‌های باقیمانده تکیه بگیرند. حذف مسند، که نمونه‌هایی از آن را در مثال‌های بالا نیز دیدیم، باعث می‌شود فعل ربطی تکیه بگیرد و بنابراین، به «هست» تبدیل شود.

(۲۸) الف. کی می‌گه آب آبی نیست؟ کی می‌گه هست؟

ب. من همیشه حس می‌کردم جاش تو زندگی مون خالی بوده و هست.

در پرسش‌های تأکیدی نیز می‌توان تأثیر تأکید روی فعل ربطی را مشاهده کرد. پرسش تأکیدی یک جمله پرسشی با فعل منفی است که برای تأکید روی موضوعی به کار می‌رود. در پاسخ به این پرسش نیز وقتی دیگر اجزا حذف می‌شوند، فعل «هست» به کار می‌رود.

(۲۹) الف. مگه این شماره تو نیست؟ - آره، هست.
ب. اونجا هوا گرمه. مگه نیست؟ - آره، هست.

تأکید روی مسند

تنها تأکید روی فعل نیست که آن را تبدیل به «هست» می‌کند، گاهی گویشوران برای تأکید روی مسند و متمایز کردن آن در جمله نیز نیاز دارند فعل ربطی را از آن جدا کنند و از آنجاکه تنها صورت آزاد در محاوره «هست» است، در این جایگاه نیز استفاده می‌شود.

(۳۰) منظورتون فکر کنم کلمه پرستیژ هست.

در تکرار عبارات در گفت‌وگوها نیز اغلب شاهد این کاربرد هستیم.

(۳۱) - اسمش رکساناست.

- چی؟

- میگم اسمش رکسانا هست.

۲-۵. ترتیب واژه‌ها

در زبان فارسی، سازه‌ها در جمله آزادی حرکت دارند و گاهی براساس ساخت اطلاعاتی ترتیب‌های متفاوتی پیدا می‌کنند. این آزادی حرکت در زبان محاوره مشهودتر است، زیرا گویشوران در لحظه سازه‌ها را کنار هم می‌گذارند و این مسئله موجب می‌شود گاهی واژه‌ها با ترتیب‌هایی متفاوت از زبان رسمی کنار هم قرار گیرند. این موضوع سبب می‌شود در مواردی میان مسند و فعل ربطی فاصله بیفتد و بنابراین، نیاز به یک تکواژ آزاد در جایگاه فعل ربطی باشد. در این حالت نیز تنها گزینه قابل استفاده «هست» است.

(۳۲) الف. قرارشون امشب مثکه هس.

ب. مراسم فردا گفتن هست.

پ. این قشنگترین پست پیجمون به نظرم هست.

در نوشتار رسمی این آزادی حرکت کمتر است و معمولاً «است» بعد از مسند قرار می‌گیرد.

(۳۳) الف. ترتیب بی‌نشان: مسندالیه + مسند + فعل ربطی

ب. هوا گرم است.

در حالت نشان‌دار، مسند می‌تواند حرکت کند، اما فعل «است» را نیز با خود می‌برد.

(۳۴) گرم است هوا.

به عبارت دیگر، «است» تنها بعد از مسند به کار می‌رود و کاربرد آن پیش از مسند به

بدساختی جمله می‌انجامد.

(۳۵) *هوا است گرم. / *است هوا گرم.

در زبان فارسی، جای دیگری که شاهد تغییرات زیاد در ترتیب واژه‌ها از حالت بی‌نشان هستیم شعر است. سازه‌ها گاهی به دنبال مبتداسازی جهت تأکید و گاهی نیز تنها به ضرورت وزن ابیات جابه‌جا می‌شوند. اگر ترتیب واژه‌ها «مسند + فعل ربطی» باشد، فعل «است» را می‌توان استفاده کرد. این فعل اغلب به واژه قبل از خود متصل شده و به صورت واژه‌بست «ست» تلفظ می‌شود (۳۶. الف و ب)، مگر در مواردی بعد از «های غیر ملفوظ» (۳۶. پ).

(۳۶) الف. گفتم مگر به وصل رهایی بود ز عشق/ بی حاصل است خوردن مستقی آب را (سعدی)

ب. ز هر باد، چون گرد منما بلندی/ که پست است همت، بلند آسمان را (پروین اعتصامی)

پ. طریق عشق پر آشوب و فتنه است ای دل/ بیفتد آن که در این راه با شتاب رود (حافظ)

اما هرگاه به ضرورت وزن فعل ربطی پیش از مسند قرار بگیرد و امکان استفاده از واژه‌بست «ست» نباشد، تبدیل به «هست» می‌شود.

(۳۷) الف. بسم الله الرحمن الرحيم/ هست کلید در گنج حکیم (نظامی)

ب. خوشا و خرما آن دل که هست از عشق بیگانه/ که من تا آشنا گشتم دل خرم نمی‌بینم (سعدی)

۳-۵. سهولت در تلفظ

گاهی کاربرد واژه‌بست‌ها در موقعیتی امکان‌پذیر است، اما تلفظ را دشوار می‌کند و از آنجاکه ویژگی‌های گفتاری افراد یا به عبارتی گویش‌های شخصی آن‌ها در گفتاری نویسی منعکس می‌شود، می‌توان استنباط کرد که دلیل کاربرد «هست» دشواری در تلفظ بوده است. دو مورد از این موقعیت‌ها در ادامه آمده است.

• واژه‌های دوحرفی مختوم به «های غیر ملفوظ»

در بخش (۴)، اشاره شد که وقتی واژه‌بستی که با همخوان شروع می‌شود به واژه‌های مختوم به «های غیر ملفوظ» اضافه شود، در تلفظ واج پایانی /e/ تبدیل به /æ/ می‌شود. این قاعده در مورد واژه‌هایی با بیش از دو حرف صادق است. در واژه‌های دوحرفی، اگر تلفظ یک حرف تغییر کند، موجب ابهام می‌شود. به همین دلیل، گویشوران «ه/ه» را با همان واج /e/ تلفظ می‌کنند. بنابراین، چنان‌که در مثال‌های زیر مشاهده می‌شود، تلفظ این واژه‌ها با واژه‌بست‌های «ه/ه» و «س» دشوار می‌شود و گویشوران ترجیح می‌دهند از «هست» استفاده کنند.

(۳۸) الف. مراسم ساعت سه‌ته.

- ب. مراسم ساعت سه‌ست.
- پ. مراسم ساعت سه هست.
- (۳۹) الف. اسم کتابش ژه‌ئه.
- ب. اسم کتابش ژه‌ست.
- پ. اسم کتابش ژه هست.

● «یای هسته‌نما» بعد از واژه مختوم به «ی»

وقتی «یای نکره» بعد از واژه مختوم به «ی» به کار می‌رود، تلفظ آن دشوار می‌شود (سینی‌ای، کشتی‌ای). افزودن واژه‌بست «ه / ه» و تبدیل آن به «یای هسته‌نما» (دیرمقدم، ۱۴۰۲) این دشواری را دوچندان می‌کند. بنابراین، برخی گویشوران ترجیح می‌دهند در این جایگاه «هست» را جایگزین کنند.

(۴۰) الف. یکی از بهترین سریال‌های جنایی‌ایه که دیدم.

ب. یکی از بهترین سریال‌های جنایی‌ای هست که دیدم.

۴-۵. گسست واژه‌بست

در این قسمت، مواردی را بررسی می‌کنیم که برخلاف قسمت قبل، در تلفظ مشکلی ایجاد نمی‌کنند، بلکه منجر به نازیبایی نوشتار می‌شوند. پیش‌تر به موضوع نیم‌فاصله پرداختیم. گویشوران در افزودن واژه‌بست بعد از «ه / ه» به دلایلی، مانند افزایش سرعت نوشتن، عدم آشنایی با کاربرد نیم‌فاصله و یا نداشتن کلید نیم‌فاصله، به ندرت از آن استفاده می‌کنند. بنابراین، گروهی به دلیل عدم تمایل به استفاده از واژه‌بست‌های گسسته، از «هست» استفاده می‌کنند.

- (۴۱) الف. مهریونیش بی حدواندازه هست.
- ب. کلاسش خسته کننده هست.

در ادامه، موارد دیگری را برمی‌شماریم که در آن‌ها واژه‌بست جدا می‌شود و به‌همین دلیل، بعضی از گویشوران استفاده از «هست» را ترجیح می‌دهند.

● بعد از کمانک یا گیومه

- (۴۲) الف. اسم کتابه "سور بز" ه.
- ب. اسم کتابه "سور بز" هست.
- (۴۳) الف. اون که آبی پوشیده مریم (خواهر سارا) س.
- ب. اون که آبی پوشیده مریم (خواهر سارا) هست.

● بعد از عدد

- (۴۴) الف. متولد ۸۱ ه.

ب. متولد ۸۱ هست.

● بعد از حروف غیرفارسی

(۴۵) الف. اسم برندش freez ه.

ب. اسم برندش freez هست.

۵-۵. لحن رسمی و محترمانه

بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که وقتی گویشوری می‌خواهد باطمینان صحبت کند و یا لحن رسمی‌تر و احترام‌آمیزی به گفته یا نوشته خود بدهد، بیشتر از «هست» استفاده می‌کند.

(۴۶) الف. ایشون مدتی هست که تشریف فرما شدن.

ب. انسان خوشبخت کسی هست که از هنر زندگی کردن برخورداره.

پ. استاد این همون کتابی هست که فرمودین؟

در این بخش، کاربرد فعل ربطی «هست» در موقعیت‌های گوناگون را بررسی کردیم. در بخش بعد، نمونه‌هایی از کاربرد فعل «است»، به‌عنوان فعل تام، را مرور خواهیم کرد.

۶. «است» به‌عنوان فعل تام

گویشوران گاه صورت‌های فعل «است» را در معنای «وجود داشتن» به کار می‌برند. نمونه‌هایی از این کاربرد در زبان رسمی در مثال زیر آمده است.

(۴۷) الف. فرق است بین کسی که چیزی را می‌داند، با کسی که چیزی را درک کرده و آن را می‌فهمد.

ب. امید است که با لطف و یاری خدای متعال بتوانیم خدمات خود را هر چه بهتر ارائه دهیم.

پ. نیاز است که کابل‌ها از روی زمین عبور کنند.

ت. درون آن صندوق چه چیزی است؟

در پیکره «پارس‌مپ» نیز مثال‌هایی از این کاربرد وجود داشت.

(۴۸) الف. همه دنیا روشن فشاره.

ب. منم کلاس زبان میرم، مشکلیه؟

پ. تو انباری خونه ماره.

ت. برای هر چیزی چاره ست، فقط مرگه که چاره نداره.

بنابراین، گرچه می‌توان گفت در فارسی امروز کاربرد اصلی فعل «است» نقش ربطی و کاربرد اصلی فعل «هست» نقش تام آن است، اما این دو فعل در موقعیت‌های زیادی می‌توانند جایگزین یکدیگر شوند.

۷. جمع‌بندی

در مجموع، افراد به دلایل زیر از فعل ربطی «هست» استفاده می‌کنند که در دو مورد استفاده از آن اجباری است؛ به این معنی که همه گویشوران در این جایگاه «هست» را به کار می‌برند و در چهار مورد به ترجیح گویشوران از آن استفاده می‌شود:

- تأکید (اجباری)؛
- ترتیب واژه‌ها (اجباری)؛
- سهولت در تلفظ (اختیاری)؛
- جدا افتادن واژه‌بست (اختیاری)؛
- لحن رسمی و احترام‌آمیز (اختیاری)؛
- گویش شخصی (اختیاری).

تغییر اجباری فعل «است» به «هست» در دو مورد اول، هم در زبان رسمی و هم محاوره، روی می‌دهد، اما موارد اختیاری بیشتر مربوط به زبان محاوره است، زیرا در محاوره گویشوران اغلب از «است» استفاده نمی‌کنند و کاربرد واژه‌بست‌های جایگزین آن در موقعیت‌های یادشده مسئله‌ساز می‌شود. بنابراین، ترجیح می‌دهند از «هست»، که تنها صورت آزاد کاربردی در محاوره است، استفاده کنند.

فعل‌های «است» و «هست» از یک ریشه‌اند و صورت‌های منفی (نیست)، گذشته (بود) و آینده (خواهد بود) آن‌ها یکسان است. هر دو ابتدا در معنای فعل تام و بعدها به‌عنوان فعل ربطی به کار گرفته شده‌اند. اگر «هست» در فارسی امروز فقط به معنی «وجود داشتن» به کار می‌رفت، افزودن کاربرد ربطی به آن و بالا بردن ابهام کلام منطقی نبود، اما حال که این فعل در مواردی به‌ناچار به‌عنوان فعل ربطی به کار می‌رود، گسترش کاربرد آن را می‌توان مدّ نظر قرار داد. بررسی داده‌ها در این پژوهش نشان می‌دهد که نه‌تنها گویشوران به استفاده از این فعل در زبان محاوره تمایل دارند، بلکه فواید زیر نیز از کاربرد آن حاصل می‌شود:

- جلوگیری از حذف «های غیر ملفوظ» در آخر واژه‌ها؛
- جلوگیری از جدا افتادن واژه‌بست‌ها؛
- کمک به روان خوانی متن؛
- سهولت در پردازش متن؛
- سهولت در تلفظ؛

- سهولت در آموزش خط فارسی؛
- کمک به زیبایی چهره متن.

براین اساس، از شواهد چنین برمی آید که می توان کاربرد فعل «هست» را به عنوان فعل ربطی و تنها صورت آزاد جایگزین فعل «است» در زبان محاوره گسترش داد.

منابع

- انوری، حسن (۱۳۸۲)، فرهنگ فشرده سخن، تهران، سخن.
- دبیرمقدم، محمد (۱۴۰۲)، رده شناسی زبان های ایرانی، تهران، سمت.
- راسخ مهند، محمد (۱۳۸۹)، «واژه بست های فارسی در کنار فعل»، پژوهش های زبان شناسی (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان)، دوره ۲، شماره ۲، ص ۷۵-۸۵.
- شریعت، محمدجواد (۱۳۴۵)، دستور زبان فارسی، تهران، اساطیر.
- شریفی، شهلا و لیلا تابش فر (۱۳۹۷)، «تکوین فعل «است» در زبان فارسی»، در نخستین همایش ملی تحقیقات ادبی بارویکرد مطالعات تطبیقی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۲۷۵-۲۹۲.
- طیب زاده، امید (۱۳۹۸)، مبانی دستور خط فارسی شکسته (براساس صد سال آثار داستانی و نمایشی ۱۲۹۸ تا ۱۳۹۷)، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کمالی، مهدی (۱۳۹۵)، «گونه گفتاری (شکسته) فعل ربطی «است» در فارسی قدیم»، گزارش میراث، سال ۱، شماره ۷۴، بهار و تابستان، ص ۳۳-۳۵.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۷)، دستور زبان فارسی، تهران، توس.

- Kabiri, R. S. Karimi, & M. Surdeanu, (2022), Informal Persian Universal Dependency Treebank, *arXiv preprint arXiv:2201.03679*.
- Mahmoodi-Bakhtiari, B. (2018), Spoken vs. Written Persian: Is Persian Diglossic?, *Trends in Iranian and Persian Linguistics*, A. Korangy & C. Miller (eds), de Gruyter mouton, vol. 313, pp 183-213.
- Rasooli, M. S. F. Bakhtyari, F. Shafiei, M. Ravanbakhsh, & C. Callison-Burch, (2020), Automatic Standardization of Colloquial Persian, *arXiv preprint arXiv:2012.05879*.
- Tajalli, V. F. Kalantari, & M. Shamsfard, (2025), "Developing an Informal-Formal Persian Corpus: Highlighting the Differences between Two Writing Styles", In *Proceedings of the 1st Workshop on NLP for Languages Using Arabic Script*, Abu Dhabi, UAE. Association for Computational Linguistics, pp. 44-53.

References

Sources are in Persian unless otherwise specified.

Anvari, Hassan (2003, supervisor), *Sokhan Concise Dictionary*, Tehran, Sokhan.

- Dabir-Moghaddam, Mohammad (2023), *Typology of Iranian Languages*, Tehran, SAMT.
- Kamali, Mahdi (2016), "The Colloquial (Broken) Form of the Copular Verb «ast» in Early Persian", *Gozarsh-e Miras*, Vol. 1, No. 74, Spring and Summer, pp. 33-35.
- Natel-e Khanlari, Parviz (1998), *Persian Grammar*, Tehran, Tous.
- Rasekh-Mahand, Mohammad (2010), "Persian Clitics beside Verbs", *Pazhouheshha-ye Zabanshenasi*, Vol. 2, No. 2, pp. 75-85.
- Shari'at, Mohammad-Javad (1966), *Persian Grammar*, Tehran, Asatir.
- Sharifi, Shahla and Leila Tabeshfar (2018), "The Development of the Verb «to be» (ast) in Persian", *First National Conference on Literary Research with a Comparative Studies Approach*, Tehran, pp. 275-292.
- Tabibzadeh, Omid (2019), *Orthography of Colloquial Persian* (Based on Works of Fiction and Drama, Spanning a Century (1918–2028)), Tehran, Institute for Humanities and Cultural Studies.

